گزارش تحلیلی «فرهیختگان»: فارغ از بحث‌های هیجانی درباره اتباع افغانستانی، تهدیدها و فرصت‌های آنها برای اقتصاد ایران کدام است؟

واقعیت اقتصادی مهاجران

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

در سال‌های اخیر در کنار ادامه اعمال تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ملت ایران، تورم‌های بالا، جهش‌های ارزی و همچنین تعمیق ناترازی‌ها در اقتصاد ایران یک چالش جدید نیز، ورود تعداد بسیار بالایی از اتباع افغانستانی به کشور پس از به قدرت رسیدن طالبان بوده است. به این دلیل که بخش زیادی از مهاجران وارشده به ایران، افراد غیرمجازند، این مهاجرت برای کشورمان چالش‌های بسیار جدی خلق کرده است. گرچه ایران باوجود ناترازی‌های گسترده، تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی همواره با گشاده‌رویی، مهربانی و عطوفت مهاجران را پذیرفته اما هیچ نمونه خارجی وجود ندارد که یک کشور نسبت به ورود حجم گسترده‌ای از اتباع غیرمجاز خارجی بی‌تفاوت باشد. حالا این موضوع چند وقتی است که برای مسئولان کشور، نهادهای سیاستگذار، نهادهای نظارتی و امنیتی و مجموعه دولت و مجلس به یک چالش تبدیل شده و هر سه نهاد قضایی، قانون‌گذاری و قوه مجریه سعی دارند با ارائه یک بسته سیاستی جامع، امور اتباع خارجی را ساماندهی و افراد غیرمجاز را از کشور اخراج کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد روایت‌های مختلفی از تعداد مهاجران افغانستانی در کشور وجود دارد. پرتکرارترین عدد اعلامی برای تعداد مهاجران قانونی و غیرقانونی، ۶ میلیون نفر و پس از آن، ۸ میلیون نفر است. با این حال، بعضاً از عدد ۱۰ میلیون نفر نیز سخن گفته شده است. توجه داشته باشیم این جمعیت از کل جمعیت ۷۰ کشور جهان بیشتر است. سنگاپور، دانمارک، نروژ، لبنان، نیوزیلند، عمان، کویت، کرواسی، مغولستان، قطر، بحرین، مالدیو، بلغارستان، صربستان و لیبی ازجمله کشورهای مشهوری‌اند که در سال گذشته جمعیت اتباع خارجی ایران از کل جمعیت آن‌ها بیشتر بوده است.

پرواضح است این جمعیت هزینه‌های زیادی در حوزه‌های اقتصادی و بعضا اجتماعی روی دست دولت ایران گذاشته است. برای مثال، یکی از مسئولان امور اتباع خارجی وزارت کشور می‌گوید هزینه تحصیل هر فرد اتباع خارجی در کشور معادل ۲ میلیون تومان می‌شود. یعنی این عدد را در کنار تحصیل ۷۱۰ هزار دانش‌آموز و دانشجو می‌گذاریم، به بودجه‌ای در حدود ۳۰ هست می‌رسیم. در گزارش حاضر به ابعاد مختلف موضوع ساماندهی امور اتباع خارجی پرداخته شده است. براساس برآوردهای این گزارش، جمع یارانه حامل‌های انرژی، آب، آموزش‌وپرورش رایگان، نان و کالاهای اساسی (فقط وارداتی) در سال ۱۴۰۲ در سناریوی حداقلی به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان و در سناریوی دوم به ۲۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. البته محاسبات دیگری حجم یارانه اعطایی برای اتباع خارجی را فراتر از این ارقام دانسته و با اضافه کردن یارانه‌هایی همچون حوزه بهداشت و درمان و بخش‌های دیگر معتقدند این رقم سالانه بیش از ۷ میلیارد دلار است.

ساماندهی امور مهاجران بله؛ مهاجرستیزی خیر

در شرایط فعلی کشور برای ساماندهی مهاجران خارجی مجلس، قوه قضائیه، دولت و همه نهادهای حاکمیتی و امنیتی، رسانه‌ها و مطبوعات کشور، دانشگاه‌ها و نخبگان علمی کشور رسالت بزرگی برعهده دارند. رسالت آن‌ها این است که اجازه ندهند موضوع ساماندهی به یک مطالبه کف خیابانی تبدیل شود. این اتفاق می‌تواند زمینه مهاجرستیزی و به دنبال آن بحران اجتماعی و امنیتی را در کشور فراهم سازد. براین اساس باید مراقب بود مسئله ساماندهی مهاجران فقط از مجاری علمی، حقوقی و قانونی و مسیرهای طبیعی خود پیگیری شود تا در کمترین زمان ممکن علاوه بر اینکه منجر به تدوین قوانین جامع و شفاف شده تا تحریک عواطف و احساسات شخصی در کف جامعه منجر به مهاجرستیزی و تبدیل این موضوع به بحران اجتماعی و امنیتی نشود. بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌طور کلی در زمینه حضور مهاجران افغانستانی در کشور دو دیدگاه کلی قابل شناسایی است. ۱. عده‌ای بر این باورند که بنابر آموزه‌های اسلام و مسائل اخلاقی حمایت از آوارگان نیازمند به کمک‌رسانی وظیفه دینی هر مسلمانی است و بایستی در پذیرش و حمایت از مهاجران افغانستانی به‌عنوان برادران دینی ایران همواره به‌صورت سخاوتمندانه عمل کند. ۲. در سمت مقابل طرفداران دیدگاه مخالف حضور مهاجران افغانستانی در کشور بر این باورند که با توجه به تحریم‌ها و چالش‌هایی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و... و جامعه ایران وجود دارد حضور مهاجران در کشور به عنوان یک بار اضافی بر دوش اقتصاد کشور تلقی می‌شود و منافع آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. به نظر می‌رسد دو دیدگاه مذکور هر دو تا حدودی درست بوده اما کامل نیستند. طرفداران گروه اول معمولاً به این موضوع توجه ندارند که منابع کشور ازجمله آب، برق، گاز، منابع طبیعی، مسکن، خیابان و جاده و راه، نان و غذا و خدروو... محدود بوده و ورود حجم بالایی از مهاجران خارجی منجر به افزایش تقاضای پیش‌بینی‌نشده در کشور و ایجاد اختلال در حوزه‌های مختلف می‌شود. همچنین با توجه به حجم بالایی از یارانه‌های کالایی (از سوخت و حامل‌های انرژی و برق و گاز گرفته تا نان و کالاهای اساسی، حمل‌ونقل عمومی و...) که ایران می‌دهد، ورود سیل بی‌شمار اتباع خارجی منجر به تشدید ناترازی‌ها در اقتصاد ایران شده که خود منجر به تشدید کسری بودجه، افزایش تورم و دهه‌ها معضل دیگر می‌شود. علاوه بر موضوعاتی اقتصادی، طرفداران دیدگاه اول توجهی چندانی به این موضوع ندارند که ورود سیل انبوه اتباع خارجی بعضا می‌تواند چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز در جامعه میزبان به وجود آورد.

اما طرفداران دیدگاه دوم نیز گرچه دغدغه درستی در خصوص چالش‌های اقتصادی اتباع خارجی دارند، اما به جای ارائه چهارچوب علمی و حقوقی برای مواجهه با چالش اتباع خارجی کلاً موضوع مهاجران را به حاشیه می‌برند. به عبارتی، مشخص نیست اگر کشور با ورود اتباع خارجی روبه‌رو بود و به دلایل اخلاقی، انسانی و حقوق بشری مجبور شد بخشی از مهاجران را بپذیرد مواجهه‌اش با این جمعیت باید چگونه باشد. توجه داشته باشیم کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که در زمان اتفاقات سیاسی، نظامی و طبیعی در کشور همسایه خود، با مهاجرت گسترده مردم همسایه روبه‌رو نشود. حال این سؤال مطرح می‌شود که در این مواقع رویکرد دولت باید چگونه باشد. آیا صرف امتناع از پذیرش جمعیت مهاجر پشت دروازه‌های کشور مشکل را حل می‌کند یا منجر به عدم ورود مهاجران می‌شود؟

۹ تا ۱۲ همت یارانه نان

یکی از موضوعاتی که باید در موضوع اتباع خارجی به توجه داشت تشدید ناترازی‌ها با افزایش عائله دولت است. زمانی آن را در همه بخش‌ها از نان، برق و گاز گرفته تا هزینه‌های درمانی و واردات کالاهای اساسی می‌توان دید. یکی از آن‌ها، یارانه آرد و نان است. هرساله پرداخت مطالبات گندمکاران که مجوز برای آن تا امروز صادر شده مبلغ ۳ تا ۴ میلیارد دلار بوده است. به‌گفته فکری در ۶ ماه اول سال دومیلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده و بیشترین کسانی که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از لحاظ تعداد داشته‌اند اتباع افغانستانی‌اند.»

گفته می‌شود اتباع افغانستانی از لحاظ تعداد بالاترین سرمایه‌گذاری را در ایران داشته‌اند و این سرمایه‌گذاری مبالغی بین ۳۰۰ هزار دلار تا پنج میلیون دلار است. اگر مبنای دلار را ۵۵ هزار تومان محاسبه کنیم سرمایه‌گذاری افغانستانی‌ها در ایران بین ۱۶ میلیارد تومان تا ۲۷۰ میلیارد تومان بوده، ارقامی که با آن می‌توان کارگاه‌ها و صنایع کوچک را با بازدهی بالا و هزینه کم راه‌اندازی کرد.

وفاداری جامعه افغانستان به کالاهای ایرانی

اما بخش دیگری از ارتباطات ایران با جامعه افغانستان، در حوزه تجارت خارجی است. ایران سالانه حدود ۲ تا بعضاً ۲٫۵ میلیارد دلار کالا به افغانستان صادر می‌کند که این مقدار، بین ۳ تا ۳۵ درصد از کل واردات افغانستان را شامل می‌شود. گرچه همجواری جغرافیایی و قیمت پایین اقلام ایرانی مورد توجه بازار این کشور نیز بوده، اما گفته می‌شود به دلایل فرهنگی و اجتماعی ازجمله وفاداری جامعه افغانستان به مصرف کالاهای ایرانی و همچنین تطابق کالاهای کشورمان به ویژه در حوزه غذا و کشاورزی با ذائقه جامعه افغانستان (ازجمله توجه به تولیدات حلال)، موجب شده مردم همسایه شرقی کشورمان، توجه ویژه‌ای به مصرف کالاهای ایرانی داشته باشند.

لزوم ۱۰ تغییر در سیاست مهاجرتی ایران

با مواردی که گفته شد، ضروری است در قوانین جدید ساماندهی مهاجران و اتباع خارجی، به ۱۰ مورد توجه ویژه شود که در ادامه به طور مفصل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱ اجماع در مدیریت مهاجرت

طی دو دهه اخیر و به طور خاص در چند سال اخیر با برآمدن طالبان در افغانستان و سیل مهاجرت اتباع افغانستانی به ایران، هماهنگی مناسبی بین ارگان‌های دولتی در امر مدیریت مهاجرت وجود نداشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد عمده‌ترین نهادهای دولتی و حاکمیتی درگیر در امر مهاجرت شامل ۱- وزارت امور خارجه (بخش خدمات کنسولی، اعطای مجوز ورود به خارجی‌ها به ایران و...) ۲- وزارت کشور (مدیریت پناهندگان خارجی در ایران از طریق سازمان ملی مهاجرت، صدور اجازه اقامت بسرای خارجی‌ها در ایران) ۳- وزارت کار (صدور مجوز کار برای خارجی‌های مقیم ایران و هماهنگی امور اشتغال ایرانی‌ها در خارج) ۴- وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی (امور امنیتی مربوط به اتباع خارجی در ایران و مهاجران ایرانسی در خارج) ۵- وزارت اقتصاد (امور مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در ایران، سرمایه‌گذاری‌های ایرانی‌های خارج از ایران، امور گمرک و مبادلات کالا) ۶- سازمان صداوسیما (برنامه‌های رادیو و تلویزیونی) ۷- وزارت علوم (اعطای مجوز تحصیل به دانشجویان خارجی در ایران) ۸- وزارت آموزش‌وپرورش (اجازه تحصیل به کودکان اتباع خارجی و تحصیل ایرانیان خارج از کشور) ۹- ریاست‌جمهوری (جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور) ۱۰- وزارت بهداشت (کنترل ورود اتباع خارجی دارای بیماری‌های خاص و اعطای خدمات درمانی به اتباع خارجی) می‌باشند. البته فهرست فوق عمده‌ترین سازمان‌های دولتی را دربردارد و کامل نیست بلکه تعداد قابل توجهی ستاد و شورای عالی در امور مربوط به مدیریت مهاجرت ایران وجود دارد که هماهنگی بین این نهادها اولین ضرورت مدیریت امور مهاجرت است.

۲ داشتن سند ملی مهاجرتی شفاف و جامع

به سخنی می‌توان از وجود سیاست‌های مهاجرتی منسجم در ایران سخن گفت. برای انسجام بین سیاست‌های مهاجرتی لازم است ایران سندی ملی برای چهارچوب‌های مهاجرتی تدوین کند. در کشورمان مجموعه پیچیده‌ای از قوانین تابعیت، اقامت، کار، تحصیل و مسافرت وجود دارد که می‌تواند گنجینه حقوقی خوبی برای انسجام بخشیدن به سیاست‌های مهاجرتی باشد، اما نیاز به بررسی و ایجاد تعادل‌های لازم در آن‌ها ضروری اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، سند ملی مهاجرت باید اولاً جامع، شفاف، قابل فهم و به صورت یک کل واحد، نه پراکنده در دل قوانین دیگر باشد. ثانیاً سیاست‌های مهاجرتی تدوین شده در این سند باید بتواند برای افرادی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند یک چشم‌انداز بلندمدت برای سرمایه‌گذاری اقتصادی (سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران) و اجتماعی (ازدواج، فرزندآوری، خرید ملک، خرید خودرو، تحصیل و...) ایجاد کند.

۳ مدیریت یکپارچه مهاجران در یک نهاد مستقل

علاوه بر اجماع در برداشت از مهاجرت، موضوع بعدی این است که ساماندهی مهاجرت و مهاجران در ایران نمی‌تواند بدون استفاده از چهارچوب‌های علمی و بین‌المللی پدیده مهاجرت انجام شود. ایران دارای ظرفیت‌های لازم اداری، قانونی و انسانی برای مدیریت مهاجرت است، اما آنچه فراروی ایران قرار دارد این است که طی دهه‌های اخیر به نوعی خلأ وجودی یک مرکز، نهاد یا سازمان که بتواند به عنوان نیروی محرکه‌ای در این راستا حرکت کند، احساس می‌شود. گرچه مدیریت مهاجرت به معنای افزایش بروکراسی اداری نباید قلمداد گردد اما بدون سازوکار و ساختار منسجم هم نمی‌توان مهاجرت را مدیریت کرد. به عبارتی، چهارچوب‌های سیاستگذاری باید در ظرفیت اجرایی تعریف شده و وظایف اختیارات و مسئولیت‌های سازمان‌های درگیر را به گونه شفافی روشن کند تا از تداخل و تکرار امور اجرایی در مدیریت مهاجرت جلوگیری به عمل آید.

۴ تجمیع اطلاعات آماری مهاجران

برای ساماندهی امور اتباع خارجی در ایران نیاز است اولاً تعداد اتباع خارجی اعم از قانونی و غیرقانونی از طریق اعمال سرشماری‌های مختلف، تجمیع اطلاعات دستگاه‌های مختلف ارائه‌دهنده خدمات به اتباع خارجی از ثبت احوال گرفته تا مراکز خدمات درمانی، دستگاه‌های دولتی اعم از وزارت کشور، نهادهای امنیتی اعم از وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، نیروی انتظامی، مدارس و دانشگاه‌ها، وزارت کار و... مشخص شود. به عبارتی، در مرحله اول باید شناسایی اعطای مدارک هویتی، تشکیل ثبت احوال اتباع خارجی به سرعت انجام شود. باید تعداد اتباع خارجی، جنسیت، سن، تأهل، محل سکونت، محل اشتغال و اطلاعات دقیق هویتی از افراد دریافت و ثبت گردد.

۵ تدوین سیاست مهاجرتی براساس الزامات آمایش سرزمینی

سرزمین نمی‌تواند بدون سیاست‌های مهاجرتی مستقل و شورای عالی در امور مربوط به مدیریت مهاجرت ایران وجود دارد که هماهنگی بین این نهادها اولین ضرورت مدیریت امور مهاجرت است.

۲ داشتن سند ملی مهاجرتی شفاف و جامع

به سخنی می‌توان از وجود سیاست‌های مهاجرتی منسجم در ایران سخن گفت. برای انسجام بین سیاست‌های مهاجرتی لازم است ایران سندی ملی برای چهارچوب‌های مهاجرتی تدوین کند. در کشورمان مجموعه پیچیده‌ای از قوانین تابعیت، اقامت، کار، تحصیل و مسافرت وجود دارد که می‌تواند گنجینه حقوقی خوبی برای انسجام بخشیدن به سیاست‌های مهاجرتی باشد، اما نیاز به بررسی و ایجاد تعادل‌های لازم در آن‌ها ضروری اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، سند ملی مهاجرت باید اولاً جامع، شفاف، قابل فهم و به صورت یک کل واحد، نه پراکنده در دل قوانین دیگر باشد. ثانیاً سیاست‌های مهاجرتی تدوین شده در این سند باید بتواند برای افرادی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند یک چشم‌انداز بلندمدت برای سرمایه‌گذاری اقتصادی (سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران) و اجتماعی (ازدواج، فرزندآوری، خرید ملک، خرید خودرو، تحصیل و...) ایجاد کند.

۶ تغییر فرایند پذیرش مهاجران خارجی

یکی از موضوعاتی که در قوانین جدید باید در دستورکار مجلس و دولت قرار گیرد، تغییر فرایند فعلی پذیرش اتباع روالی مرسوم در جهان است. در شرایط فعلی، بر خلاف همه تجارب کشورهای دیگر که فرایند خاص چندمرحله‌ای برای پذیرش اتباع خارجی دارند، در ایران چهارچوب خاصی برای پذیرش اتباع خارجی وجود ندارد. این موضوع منجر به ورود افراد پرریسک (به لحاظ امنیتی و قضایی) به کشور شده است. براین اساس در تدوین سیاست مهاجرتی، کشورمان باید از تجارب بین‌المللی استفاده کرده و شرایط شفاف، قابل فهم و سنجش‌پذیر برای اعطای اقامت و تابعیت برای اتباع خارجی تدوین کند.

انجام مصاحبه‌های تخصصی، الزام نداشتن سومسابقه، دریافت اطلاعات هویتی دقیق، دسته‌بندی افراد براساس ریسک امنیتی و قضایی، دریافت ضمانت‌های مادی و معنوی (ضمانت‌نامه پولی و دریافت تأییدیه‌هایی محلی همچون تأییدیه ساکنان محله، کارفرمایان، مساجد و معتمدین محلی)، ازجمله موضوعاتی هستند که می‌توانند ریسک پذیرش اتباع خارجی را در کشور کاهش دهد. براین اساس، سیاست مهاجرتی باید شرایط سفت و سختی را برای پذیرش خارجی‌ها مدنظر قرار دهد، به طوری که پذیرش افراد فاقد مهارت، فاقد سرمایه، دارای ریسک بالای امنیتی و قضایی، دشوار باشد. باید متذکر شویم مسئله در اینجا جلوگیری از ورود افراد پرریسک بوده و این موضوع منافاتی با پذیرش اتباع خارجی براساس وظایف انسانی و حقوق بشری ندارد. این اقدام دو نتیجه ملموس مهم در برخواهد داشت. اول اینکه دولت و حاکمیت با اعمال مجوزهای قانونی سکونت بلندمدت، دقیقاً می‌دانند بیا چه کسانی طرفند. از وضعیت اجتماعی و اقتصادی جمعیت مهاجر اطلاعات کاملی برای برنامه‌ریزی‌های خود دارند. همچنین اعطای مجوزهای قانونی بلندمدت برای سکونت موجب می‌شود دولت برای خدماتی که به اتباع خارجی می‌دهد، مالیات؛ عوارض و سایر حقوق قانونی خود را همچون سایر شهروندان از آن‌ها دریافت کند. دوم اینکه، به واسطه اشتغال این افراد، با تابعیت (مشروط و دائمی) افراد خود را شهروند کشور دانسته و به این دلیل که چشم‌انداز بلندمدت برای آن‌ها ایجاد شده، اولاً خود را در مقابل قوانین داخلی مسئول می‌دانند، ثانیاً این امر (ترسیم چشم‌انداز بلندمدت) منجر به جذب سرمایه‌گذاران و افراد دارای توان مالی بالا خواهد شد. توجه داشته باشیم بخش زیادی از جامعه افغانستان به ویژه آن‌هایی که از توان مالی بالایی نیز برخوردار بوده، برای سکونت در ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی و اجتماعی و زبانی ضریب بالایی در مهاجرت می‌دهند. ضمناً توجه داشته باشیم درحال حاضر ایران به سکویی برای مهاجرت اتباع نخبه و دارای سرمایه از مسیر کشورمان تبدیل شده که ایجاد چشم‌انداز بلندمدت، منجر به کاهش مهاجرت آنان خواهد شد.

۷ تجمیع خدمات ارائه شده به مهاجران

به همان نسبتی که دولت مکلف است در ورود و پذیرش اتباع خارجی سخت‌گیری‌هایی انجام دهد، ضروری است برای کسانی که مورد پذیرش قانونی قرار گرفته‌اند، خدمات دولتی و حاکمیتی به طور شفاف، با بروکراسی اداری بسیار محدود ارائه شود. برای مثال، ضروری است دولت کارت‌های هویتی شبیه به کارت ملی یا کارت‌های چندگانه رادر اختیار اتباع قانونی قرار دهد تا آن‌ها شبیه به ایرانیان بتوانند از خدمات مختلف بهره‌مند شوند. همچنین ضروری است سطح و میزان بهره‌مندی افراد مختلف اعم از پناهندگان، مهاجران شغلی، کارگران ماهر، کارگران غیرماهر، افراد نخبه و سرمایه‌گذاران خارجی مشخص و شفاف و متفاوت باشد. علاوه بر این، شرایط دریافت اقامت و تابعیت باید برای همه این افراد متفاوت و شفاف باشد.

۸ تعیین تکلیف شرایط استفاده اتباع خارجی از یارانه‌های دولتی

آنطور که گفته شد، حتی با فرض حداقلی زندگی ۶ میلیون اتباع خارجی در ایران، این افراد حجم بالایی از یارانه‌های کشور را استفاده می‌کنند. یارانه‌هایی که دولت برای پرداخت آن‌ها مجبور شده اوراق چاپ کند، بدهکار شود، از منابع بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی بردارد و بر شدت کسری بودجه خود بیفزاید، نباید شبیه به خود مردم ایران به اتباع خارجی ارائه شود. اتباع خارجی برای ماندن در ایران باید هزینه این یارانه‌ها را در قالب‌هایی همچون دریافت پاسپورت و ویزا و تمدید مجوزهای شغلی و شرکتی بپردازند.

۹ تعیین تکلیف مالکیت اموال غیرمنقول و معاملات تجاری

یکی از چالش‌های اتباع خارجی در ایران، مشکل ثبت قانونی مالکیت اموال غیرمنقول و معاملات تجاری است. به نظر می‌رسد ایجاد چشم‌انداز بلندمدت به ویژه آن‌هایی که به قصد سرمایه‌گذاری، مهاجرت شغلی و تحصیلی به ایران می‌آیند، نیازمند تعیین تکلیف موضوع مالکیت اموال غیرمنقول و معاملات تجارتی است.

۱۰ تسریع در انسداد مرزها

ایران با دارا بودن بیش از ۱٫۶ میلیون کیلومترمربع مساحت (عدد دقیق ۱٫۶۸۹٫۱۹۵ کیلومترمربع) یکی از کشورهای پهناور غرب آسیا به شمار می‌رود که با ۱۵ کشور مختلف دارای مرز مشترک زمینی و دریایی است. گرچه بخش عمده مخاطرات امنیتی، مربوط به مرزهای خاوری کشور بوده، اما جریان قاچاق کالا، قاچاق اسلحه و مواد مخدر نیز در بخش‌های دیگر لزوم انسداد مرزها برای تأمین امنیت را الزامی می‌کند. گرچه خبرها از تلاش شبانه‌روزی نیروهای مسلح برای انسداد مرزها حکایت دارد، اما گفته می‌شود با توجه گستردگی مرزهای کشور، این روند باید تسریع شود.

وضعیت توزیع شاغلان اتباع خارجی در بخش‌های اقتصادی ایران طی سال ۱۳۹۵ (درصد)

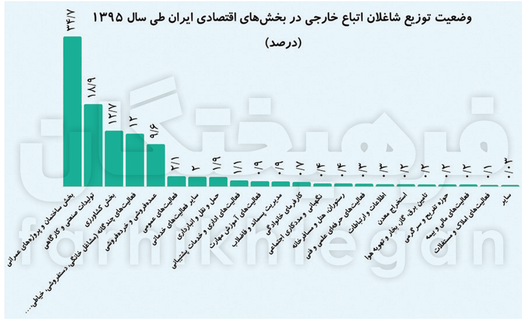

جمعیت اتباع خارجی در ایران از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۳ (نفر)

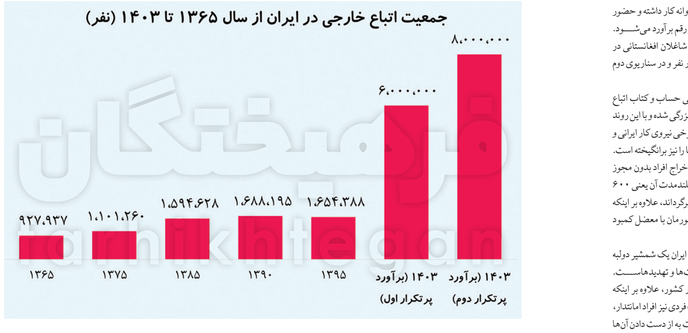

که مجوز برای آن تا امروز صادر شده مبلغ ۳ تا ۴ میلیارد دلار بوده است. به‌گفته فکری در ۶ ماه اول سال دومیلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده و بیشترین کسانی که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از لحاظ تعداد داشته‌اند اتباع افغانستانی‌اند.»

گفته می‌شود اتباع افغانستانی از لحاظ تعداد بالاترین سرمایه‌گذاری را در ایران داشته‌اند و این سرمایه‌گذاری مبالغی بین ۳۰۰ هزار دلار تا پنج میلیون دلار است. اگر مبنای دلار را ۵۵ هزار تومان محاسبه کنیم سرمایه‌گذاری افغانستانی‌ها در ایران بین ۱۶ میلیارد تومان تا ۲۷۰ میلیارد تومان بوده، ارقامی که با آن می‌توان کارگاه‌ها و صنایع کوچک را با بازدهی بالا و هزینه کم راه‌اندازی کرد.

وفاداری جامعه افغانستان به کالاهای ایرانی

اما بخش دیگری از ارتباطات ایران با جامعه افغانستان، در حوزه تجارت خارجی است. ایران سالانه حدود ۲ تا بعضاً ۲٫۵ میلیارد دلار کالا به افغانستان صادر می‌کند که این مقدار، بین ۳ تا ۳۵ درصد از کل واردات افغانستان را شامل می‌شود. گرچه همجواری جغرافیایی و قیمت پایین اقلام ایرانی مورد توجه بازار این کشور نیز بوده، اما گفته می‌شود به دلایل فرهنگی و اجتماعی ازجمله وفاداری جامعه افغانستان به مصرف کالاهای ایرانی و همچنین تطابق کالاهای کشورمان به ویژه در حوزه غذا و کشاورزی با ذائقه جامعه افغانستان (ازجمله توجه به تولیدات حلال)، موجب شده مردم همسایه شرقی کشورمان، توجه ویژه‌ای به مصرف کالاهای ایرانی داشته باشند.

لزوم ۱۰ تغییر در سیاست مهاجرتی ایران

با مواردی که گفته شد، ضروری است در قوانین جدید ساماندهی مهاجران و اتباع خارجی، به ۱۰ مورد توجه ویژه شود که در ادامه به طور مفصل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱ اجماع در مدیریت مهاجرت

طی دو دهه اخیر و به طور خاص در چند سال اخیر با برآمدن طالبان در افغانستان و سیل مهاجرت اتباع افغانستانی به ایران، هماهنگی مناسبی بین ارگان‌های دولتی در امر مدیریت مهاجرت وجود نداشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد عمده‌ترین نهادهای دولتی و حاکمیتی درگیر در امر مهاجرت شامل ۱- وزارت امور خارجه (بخش خدمات کنسولی، اعطای مجوز ورود به خارجی‌ها به ایران و...) ۲- وزارت کشور (مدیریت پناهندگان خارجی در ایران از طریق سازمان ملی مهاجرت، صدور اجازه اقامت بسرای خارجی‌ها در ایران) ۳- وزارت کار (صدور مجوز کار برای خارجی‌های مقیم ایران و هماهنگی امور اشتغال ایرانی‌ها در خارج) ۴- وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی (امور امنیتی مربوط به اتباع خارجی در ایران و مهاجران ایرانسی در خارج) ۵- وزارت اقتصاد (امور مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در ایران، سرمایه‌گذاری‌های ایرانی‌های خارج از ایران، امور گمرک و مبادلات کالا) ۶- سازمان صداوسیما (برنامه‌های رادیو و تلویزیونی) ۷- وزارت علوم (اعطای مجوز تحصیل به دانشجویان خارجی در ایران) ۸- وزارت آموزش‌وپرورش (اجازه تحصیل به کودکان اتباع خارجی و تحصیل ایرانیان خارج از کشور) ۹- ریاست‌جمهوری (جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور) ۱۰- وزارت بهداشت (کنترل ورود اتباع خارجی دارای بیماری‌های خاص و اعطای خدمات درمانی به اتباع خارجی) می‌باشند. البته فهرست فوق عمده‌ترین سازمان‌های دولتی را دربردارد و کامل نیست بلکه تعداد قابل توجهی ستاد و شورای عالی در امور مربوط به مدیریت مهاجرت ایران وجود دارد که هماهنگی بین این نهادها اولین ضرورت مدیریت امور مهاجرت است.

۲ داشتن سند ملی مهاجرتی شفاف و جامع

به سخنی می‌توان از وجود سیاست‌های مهاجرتی منسجم در ایران سخن گفت. برای انسجام بین سیاست‌های مهاجرتی لازم است ایران سندی ملی برای چهارچوب‌های مهاجرتی تدوین کند. در کشورمان مجموعه پیچیده‌ای از قوانین تابعیت، اقامت، کار، تحصیل و مسافرت وجود دارد که می‌تواند گنجینه حقوقی خوبی برای انسجام بخشیدن به سیاست‌های مهاجرتی باشد، اما نیاز به بررسی و ایجاد تعادل‌های لازم در آن‌ها ضروری اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، سند ملی مهاجرت باید اولاً جامع، شفاف، قابل فهم و به صورت یک کل واحد، نه پراکنده در دل قوانین دیگر باشد. ثانیاً سیاست‌های مهاجرتی تدوین شده در این سند باید بتواند برای افرادی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند یک چشم‌انداز بلندمدت برای سرمایه‌گذاری اقتصادی (سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران) و اجتماعی (ازدواج، فرزندآوری، خرید ملک، خرید خودرو، تحصیل و...) ایجاد کند.

۳ مدیریت یکپارچه مهاجران در یک نهاد مستقل

علاوه بر اجماع در برداشت از مهاجرت، موضوع بعدی این است که ساماندهی مهاجرت و مهاجران در ایران نمی‌تواند بدون استفاده از چهارچوب‌های علمی و بین‌المللی پدیده مهاجرت انجام شود. ایران دارای ظرفیت‌های لازم اداری، قانونی و انسانی برای مدیریت مهاجرت است، اما آنچه فراروی ایران قرار دارد این است که طی دهه‌های اخیر به نوعی خلأ وجودی یک مرکز، نهاد یا سازمان که بتواند به عنوان نیروی محرکه‌ای در این راستا حرکت کند، احساس می‌شود. گرچه مدیریت مهاجرت به معنای افزایش بروکراسی اداری نباید قلمداد گردد اما بدون سازوکار و ساختار منسجم هم نمی‌توان مهاجرت را مدیریت کرد. به عبارتی، چهارچوب‌های سیاستگذاری باید در ظرفیت اجرایی تعریف شده و وظایف اختیارات و مسئولیت‌های سازمان‌های درگیر را به گونه شفافی روشن کند تا از تداخل و تکرار امور اجرایی در مدیریت مهاجرت جلوگیری به عمل آید.

۴ تجمیع اطلاعات آماری مهاجران

برای ساماندهی امور اتباع خارجی در ایران نیاز است اولاً تعداد اتباع خارجی اعم از قانونی و غیرقانونی از طریق اعمال سرشماری‌های مختلف، تجمیع اطلاعات دستگاه‌های مختلف ارائه‌دهنده خدمات به اتباع خارجی از ثبت احوال گرفته تا مراکز خدمات درمانی، دستگاه‌های دولتی اعم از وزارت کشور، نهادهای امنیتی اعم از وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، نیروی انتظامی، مدارس و دانشگاه‌ها، وزارت کار و... مشخص شود. به عبارتی، در مرحله اول باید شناسایی اعطای مدارک هویتی، تشکیل ثبت احوال اتباع خارجی به سرعت انجام شود. باید تعداد اتباع خارجی، جنسیت، سن، تأهل، محل سکونت، محل اشتغال و اطلاعات دقیق هویتی از افراد دریافت و ثبت گردد.

۵ تدوین سیاست مهاجرتی براساس الزامات آمایش سرزمینی

سرزمین نمی‌تواند بدون سیاست‌های مهاجرتی مستقل و شورای عالی در امور مربوط به مدیریت مهاجرت ایران وجود دارد که هماهنگی بین این نهادها اولین ضرورت مدیریت امور مهاجرت است.

۲ داشتن سند ملی مهاجرتی شفاف و جامع

به سخنی می‌توان از وجود سیاست‌های مهاجرتی منسجم در ایران سخن گفت. برای انسجام بین سیاست‌های مهاجرتی لازم است ایران سندی ملی برای چهارچوب‌های مهاجرتی تدوین کند. در کشورمان مجموعه پیچیده‌ای از قوانین تابعیت، اقامت، کار، تحصیل و مسافرت وجود دارد که می‌تواند گنجینه حقوقی خوبی برای انسجام بخشیدن به سیاست‌های مهاجرتی باشد، اما نیاز به بررسی و ایجاد تعادل‌های لازم در آن‌ها ضروری اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، سند ملی مهاجرت باید اولاً جامع، شفاف، قابل فهم و به صورت یک کل واحد، نه پراکنده در دل قوانین دیگر باشد. ثانیاً سیاست‌های مهاجرتی تدوین شده در این سند باید بتواند برای افرادی که مورد پذیرش قرار می‌گیرند یک چشم‌انداز بلندمدت برای سرمایه‌گذاری اقتصادی (سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران) و اجتماعی (ازدواج، فرزندآوری، خرید ملک، خرید خودرو، تحصیل و...) ایجاد کند.

۶ تغییر فرایند پذیرش مهاجران خارجی

یکی از موضوعاتی که در قوانین جدید باید در دستورکار م